



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی و تمدن اسلامی
گروه اندیشه سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

**مبانی و روش رهبری امام خمینی ره
از نظریه پردازی انقلابی تا مدیریت جامعه پساانقلابی**

استادان راهنما
دکتر مصطفی ملکوتیان
دکتر عبدالرحمن حسینی فر

استادان مشاور
دکتر فرهاد زیویار
دکتر علیرضا ملائی توانی

پژوهشگر
سید مصطفی تقوی مقدم
اسفند ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی و تمدن اسلامی
گروه اندیشه سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

**مبانی و روش رهبری امام خمینی^{ره}
از نظریه پردازی انقلابی تا مدیریت جامعه پساانقلابی**

استادان راهنما
دکتر دکتر مصطفی ملکوتیان
دکتر عبدالرحمن حسنی فر

استادان مشاور
دکتر فرهاد زیویار
دکتر علیرضا ملائی توانی

پژوهشگر
سید مصطفی تقوی مقدم

اسفند ماه ۱۳۹۵

سپاسگزاری

برای نوشتن این رساله، قبل از همه، از خداوند رحمان بی‌نهایت سپاسگزارم که از نعمت سلامتی برهنمدم کرد و همه شرایط را فراهم ساخت تا بتوانم در مقطع دکتری به کسب دانش پرداخته و این مرحله علمی را با موفقیت به انجام برسانم.

پس از آن، از پدرم حضرت آیت الله آقا میر احمد تقوی به عنوان نخستین آموزگارم، و همچنین مادر حکیم و مهربانم سپاسگزارم.

سپس ضمن تقدیر از مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همه دانشمندان و اساتیدی که در این دوره تحصیلی از محضر آنها کسب فیض کردم، از اساتید محترم راهنمای رساله آقایان دکتر مصطفی ملکوتیان و دکتر عبدالرحمن حسنی فر که علاوه بر اینکه از رهنمودهای علمی ارزنده‌شان بهره‌ وافر بردم، سعه صدر و تحملشان و همچنین اجتنابشان از تحمیل نظراتشان، باعث تأمین فراغت خاطر اینجانب در نگارش رساله گردید، بسیار سپاسگزارم.

همچنین از اساتید محترم مشاور رساله، آقایان دکتر فرهاد زیویار و دکتر علیرضا ملایی توانی که از مشاورت آنها بهره‌مند شدم نیز بسیار سپاسگزارم.

از هیئت محترم داوران رساله، آقایان دکتر مالک شجاعی و دکتر موسی فقیه حقانی و به ویژه از استاد دانشمند و ارجمند جناب آقای دکتر منوچهر محمدی که زحمت داوری رساله را تقبل کرده و رهنمودهای علمی و ارزشمندشان در جریان داوری باعث غنای بیشتر رساله گردید، کمال سپاس را دارم.

سرانجام، از همسرم سرکار خانم سیده حلیمه موسوی نژاد که همراهی‌اش در همه مراحل زندگی، از جمله در این دوره تحصیلی، از عوامل مهم توفیقم بود، و همچنین، از فرزندانم، سید مجتبی و سید صدرالدین که در انجام امور این رساله یاری فراوانم دادند نیز سپاسگزارم.

تقدیم به:

فقیه مجاهد و مصلحِ آزادهٔ بزرگ معاصر، امام خمینی (ره)،
و همهٔ مصلحان آزاده‌ای که در پی آزادی و تعالی و کرامت
انسان‌ها و عزت و پیشرفت ایران هستند.

چکیده

این رساله در حوزه نظریه‌های مربوط به چرایی و چگونگی شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی در ایران، تبیین جایگاه مبانی و روش امام خمینی در تحقق این رخداد را مورد بررسی قرار داد. فرضیه پژوهش این است که: اندیشه و عمل ویژه امام خمینی موجب رویدادها و تحولاتی شد که به تحقق انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه انجامیدند.

بدین منظور، پس از طرح کلیات، با توجه به ماهیت موضوع رساله و نقش شخصیتها در روند رویدادها و تحولات اجتماعی؛ مفاهیم شخصیت، جامعه، و نظریه‌های مربوط به رابطه این دو، از منظر متفکران غرب و اسلام مطرح شده و نظریه استاد شهید مرتضی مطهری به عنوان پایه نظری پژوهش قرار گرفت.

برای درک جامعه ایران در عصر امام خمینی و پیوند آن با اندیشه و عمل وی، به مراحل شکل‌گیری هویت تمدنی ایران اسلامی شیعی و تحول و تکامل ساختار آن، از آغاز تا اول دوره قاجاریه پرداخته شد. پس از آن، رویارویی نابرابر ایران دوره قاجاریه با تمدن و استعمار غرب و تهدیدهایی که از این ناحیه متوجه بنیان اقتدار و استقلال و هویت ملی کشور شده بود، و قرار گرفتن رفع این تهدیدها به عنوان نیاز حیاتی و مطالبه ملی، و ظهور جریانهای ملی‌گرا، غربگرا و اسلام سیاسی، و پاسخ‌هایی که این جریانها در عرصه اندیشه و اجرا به مطالبه یادشده داده‌اند، تحلیل شد.

در این راستا، نهضت مشروطه به عنوان یک پاسخ مهم و کلان به مطالبات جامعه، و تأثیری که بحرانها و سرنوشت آن بر تحولات و اندیشه و عمل جریانها و متفکران پس از آن، از جمله امام خمینی، داشت، و همچنین، اقدامات سلسله پهلوی که به اختلال تعامل علمای شیعه و سلاطین، و به تقابل حکومت با جامعه و در نتیجه، به تعمیق تهدیدها و تشدید مطالبات انجامید، و به همان نسبت، پاسخ بنیادی‌تری می‌طلبید، نیز تبیین گردید.

ضمن تبیین ادامه و تشدید تهدید و تحقیر از سال ۱۳۴۱ به بعد، پاسخ و مواضع مهمترین جریانهای فکری و سیاسی (ملی، ملی - مذهبی، مذهبی) در این دوره تبیین شدند و برای تبیین پاسخ و مواضع امام خمینی؛ زمینه‌های شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر شخصیت و اندیشه‌ها و عمل وی، نقطه عزیمت اندیشه و رویکرد تمدنی ایشان به مقوله‌های ایران و اسلام و استعمار، مراحل اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی سیاسی و ابتکارات علمی ایشان در بازتفسیر مفاهیم و آموزه‌های دینی، مبانی نظری رفتار سیاسی و مواضع ویژه ایشان به تفصیل، تبیین شدند.

سپس ضمن تبیین شاخصه‌های رفتار سیاسی امام، مراحل و مصادیق تجلی بینش و روش ویژه و منحصر به فرد ایشان در قبال اقدامات رژیم پهلوی و خلق رویدادهای مهم سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۴۱، به حاشیه راندن جریانهای سازشکار و خنثی کردن اقدامات رژیم و آمریکا برای مهار انقلاب، و گسترش و تعمیق مبارزه تا پیروزی نهایی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تبیین شدند. در ادامه، به نقش همین بینش و روش ویژه در مدیریت جامعه پسا انقلابی و تثبیت و استقرار ارکان نظام و سازماندهی و هدایت ساختار حقوقی و تدوین قانون اساسی آن در جهت اهداف انقلاب اسلامی، پرداخته شد. در پایان، جمع‌بندی مباحث رساله، اثبات فرضیه آن و ویژگی‌های نظریه پژوهش به اختصار آمدند.

کلیدواژه: ایران، امام خمینی، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، مطهری، رژیم پهلوی، نظریه پردازی.

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: کلیات
۲.....	تعریف مسئله
۳.....	اهمیت و ضرورت موضوع
۴.....	هدف پژوهش
۴.....	سئوالهای پژوهش
۵.....	فرضیه پژوهش
۵.....	پیشینه پژوهش
۱۸.....	جدید بودن و نوآوری پژوهش
۱۸.....	مفاهیم
۲۱.....	روش انجام پژوهش
۲۱.....	ابزارهای گردآوری اطلاعات
۲۲.....	فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۲۳.....	فصل دوم: مبانی نظری پژوهش
۲۴.....	رابطه فرد و جامعه: دیدگاهها
۲۴.....	مقدمه
۲۶.....	پیشینه
۲۷.....	فردگرایی
۳۲.....	جامعه گرایی
۳۹.....	متفکران اسلامی معاصر
۴۰.....	اصالت فرد
۴۰.....	نظریه آیت الله مصباح
۴۳.....	انواع تأثیر جامعه در فرد
۴۴.....	قانونمندی جامعه
۴۴.....	آزادی انسان
۴۵.....	علل تفاوت تأثیرها
۴۶.....	اصالت فرد و جامعه
۴۶.....	نظریه شهید مطهری
۴۹.....	اثبات وجود جامعه در اندیشه آیت الله مطهری:
۵۳.....	اصالت شخصیت و تاریخ:
۵۷.....	اشتراکات و افتراقات دو نظریه
۶۰.....	نظریه مختار
۶۴.....	نتیجه
۶۵.....	فصل سوم: یافته‌های پژوهش
۶۶.....	بخش اول: مبانی؛ مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر نگرش دینی و منش سیاسی امام خمینی
۶۷.....	قسمت اول: وضعیت عمومی جامعه ایران در عصر امام خمینی

۶۷	وضعیت ایران از آغاز تا آستانه ورود به دهه ۱۳۴۰ ش
۷۳	قسمت دوم: کانون‌های پرورش و شکل‌گیری اندیشه امام خمینی
۷۳	خمین؛ نخستین کانون تکوین اندیشه امام
۷۹	قم؛ دومین کانون تکوین اندیشه امام
۸۰	شخصیت‌ها
۸۲	رویدادها
۸۵	قسمت سوم: مبانی معرفت‌شناسی امام خمینی
۸۶	مبنای معرفت‌شناسی
۸۷	مبنای هستی‌شناسی
۸۸	مبنای انسان‌شناسی
۹۰	مبنای جامعه‌شناسی
۹۱	مبنای عرفانی - اخلاقی
۹۵	مبنای فقهی - اصولی
۹۷	مبنای اندیشه سیاسی امام
۹۷	رویکرد تمدنی؛ نقطه عزیمت اندیشه امام
۹۹	تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام
۱۰۳	تمدن غرب و کارکرد آن در اندیشه امام خمینی
۱۰۸	نگرش امام به ایران معاصر
۱۰۹	امام خمینی و قیام تنباکو
۱۱۰	امام خمینی و انقلاب مشروطه
۱۱۲	امام خمینی و دوره پهلوی
۱۱۳	قسمت چهارم: نظریه‌پردازی سیاسی
۱۱۳	تجدید نظر در تعامل تاریخی علما و سلاطین
۱۱۶	مراتب و مراحل نظریه‌پردازی امام
۱۲۵	نظریه‌پردازی
۱۲۵	دین و سیاست در اندیشه امام خمینی
۱۲۸	تبیین جامعیت اسلام و پیوند آن با مقوله حکومت
۱۳۶	بازتفسیر مفاهیم و آموزه‌های دینی
۱۳۶	تقیه
۱۳۸	امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۱	عاشورا
۱۴۲	تبیین نفی رژیم پهلوی
۱۴۳	ارائه طرح حکومت و تبیین ضرورت اقدام فقیه برای تشکیل آن
۱۴۸	شکل حکومت
۱۵۲	استنتاج
۱۵۶	بخش دوم: روش و مواضع سیاسی امام خمینی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶
۱۵۷	قسمت اول: وضعیت عمومی ایران از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶؛ تهدید و تحقیر
۱۵۸	در عرصه سیاست خارجی
۱۶۳	در عرصه سیاست داخلی

۱۶۵.....	قسمت دوم: آرایش سیاسی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ و مواضع جریانهای سیاسی
۱۶۶.....	مواضع مشروطه خواهانه
۱۶۶.....	الف) جبهه ملی
۱۷۲.....	ب) نهضت آزادی
۱۷۴.....	ج) کانون نویسندگان
۱۷۴.....	د) مراجع تقلید
۱۷۶.....	مواضع انقلابی
۱۷۶.....	الف) مارکسیسم
۱۷۸.....	ب) مجاهدین خلق
۱۷۹.....	قسمت سوم: مواضع منحصر به فرد امام خمینی
۱۷۹.....	شاخصه‌های رفتار سیاسی امام خمینی
۱۷۹.....	معنویت‌گرایی
۱۸۰.....	تکلیف‌گرایی
۱۸۱.....	شجاعت و اراده
۱۸۳.....	مواضع امام در قبال تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۱۸۷.....	مواضع امام در قبال عکس‌العمل رژیم
۱۹۷.....	جمع‌بندی؛ پیامدهای مواضع امام در نهضت ضد تصویبنامه
۱۹۹.....	مواضع امام در قبال طرح انقلاب سفید
۱۹۹.....	تشدید مبارزه، تحریم و اعلام عزای عمومی
۲۱۰.....	سرکوبی فیضیه
۲۱۲.....	پیامدهای سرکوبی فیضیه، گسترش مبارزه
۲۱۳.....	اقدامات امام خمینی؛ ارتقای سطح مبارزه و رویارویی مستقیم با شاه
۲۱۹.....	مواضع شاه؛ امام به عنوان تنها مخالف سازش‌ناپذیر
۲۲۱.....	اقبال گسترده جامعه از مواضع امام خمینی و برتری یافتن موقعیت ایشان
۲۲۳.....	تعمیق مبارزه؛ تصمیم آگاهانه برای خلق یک عاشورا
۲۲۹.....	قیام پانزده خرداد
۲۳۰.....	ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد
۲۳۷.....	از زندان تا تبعید؛ استمرار مبارزه
۲۴۵.....	تعمیق مبارزه؛ کاپیتولاسیون، تهدید استقلال و مبارزه مستقیم با استعمار
۲۴۸.....	تبعید امام و پیامدهای آن؛ تعمیق شکاف میان رژیم، مرجعیت، جامعه و گرایش به انقلاب
۲۵۳.....	قسمت چهارم: خلق انقلاب
۲۸۲.....	بخش سوم: نقش اندیشه و عمل امام در مدیریت جامعه پساانقلابی
۲۸۳.....	قسمت اول: تأثیر اندیشه و عمل امام در استقرار فیزیکی ارکان و نهادهای نظام
۲۸۳.....	درآمد؛ جایگاه رهبری در نظام
۲۸۴.....	تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت
۲۸۵.....	مدیریت نهادهای امنیتی و تأمین امنیت
۲۸۷.....	مدیریت و هماهنگ‌سازی شورای انقلاب و دولت موقت
۲۸۷.....	ابتکار همه‌پرسی تعیین نظام
۲۸۹.....	مجلس خبرگان و قانون اساسی

۲۹۴.....	قوه مجریه
۲۹۷.....	قوه قضائیه
۲۹۷.....	قوه مقننه
۲۹۹.....	استمرار پس از استقرار
۳۰۰.....	قسمت دوم: تأثیر اندیشه و عمل امام در ماهیت و محتوای ساختار حقوقی نظام
۳۰۱.....	پیدایش و موجودیت
۳۰۱.....	قانون اساسی اول
۳۰۳.....	قانون اساسی دوم
۳۰۴.....	محتوی
۳۰۴.....	جمهوریت
۳۰۵.....	اسلامیت
۳۰۷.....	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳۰۷.....	قوه قضائیه
۳۰۸.....	صدا و سیما
۳۰۸.....	سیاست خارجی
۳۰۸.....	بازنگری قانون اساسی
۳۰۸.....	نتیجه
۳۰۹.....	فصل چهارم: استنتاج و تحلیل نهایی
۳۱۰.....	جمع‌بندی
۳۲۱.....	ویژگی‌ها و دستاورد نظریه پژوهش
۳۲۳.....	کتابنامه

پیشگفتار

نظام دوقطبی حاکم بر روابط بین‌المللی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، کانون‌های قدرت جهان را میان دو بلوک شرق و غرب تقسیم کرده و آرایش ژئوپلیتیکی خاصی برای ساختار جهان ترسیم کرده بود. به گونه‌ای که کشورهای به اصطلاح جهان سوم، فقط در چهارچوب راهبرد و منافع تعریف شده‌ی یکی از آن دو ابرقدرت، معنا و هویت پیدا می‌کردند. در چنین وضعیتی، بر اساس اسناد و داده‌های تاریخی پرشمار، ایران در دوره‌ی محمد رضا شاه یکی از حکومت‌هایی بود که در چهارچوب راهبرد و منافع جهانی دولت ایالات متحده آمریکا و بلوک غرب تعریف می‌شد و نقش ایفا می‌نمود. به همین علت، بر اساس دکترین نیکسون، به عنوان ژاندارم منطقه ایفای نقش می‌کرد.

از این رو، به رغم بحران مشروعیت سیاسی رژیم پهلوی در پی رخداد‌های سوم اسفند ۱۲۹۹، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تعارض عملکرد آن با استقلال و هویت ملی کشور؛ آن رژیم همچنان مورد حمایت همه جانبه دولت آمریکا و غرب قرار داشت. حتی هنگامی که قدرتهای شرق و غرب برای ثبات جهان تحت سلطه و تثبیت منافع خود، سیاست تنش زدایی را پیشه می‌کردند، این وضعیت به دولت‌های اقماری، مانند رژیم پهلوی نیز تسری می‌یافت و اینان نیز روابط بین‌المللی خود را در همین راستا تنظیم می‌کردند و بدین گونه ثبات موقعیت آنها استمرایافته و تحکیم می‌شد. از این رو، در سال‌های پایانی حکومت محمد رضا شاه، روابط مناسبی میان ایران با دولت‌های قدرتمند بلوک شرق، مانند شوروی و چین نیز برقرار شده بود، و بدین ترتیب، آن رژیم از موقعیت بین‌المللی مناسبی برخوردار بود.

با چنین موقعیتی، حکومت پهلوی توانست در دهه ۱۳۵۰ش بحران‌های عمده خود را پشت سر بگذارد، مخالفان داخلی را به شیوه‌های گوناگون سرکوب کرده و بی‌اثر و بی‌خطر سازد، قدرتمندترین ارتش و مخوف‌ترین سازمان امنیت منطقه را در اختیار داشته باشد، ثروت ناشی از چندبرابر شدن قیمت نفت را نیز به دست آورد و در اوج ثبات سیاسی و اقتدار اقتصادی، برنامه مدرنیزاسیون مورد نظر را پی گرفته، وعده تمدن بزرگ را به جامعه بدهد.

موقعیت رژیم به گونه‌ای مستحکم به نظر می‌رسید که نه تنها مردم عادی و یا نخبگان سیاسی، بلکه دیپلمات‌های آمریکا و سازمان اطلاعات آن (سیا) نیز بر این باور بودند که ایران تا ده سال آینده دچار انقلاب نمی‌شود و در شرایط انقلابی نیز نخواهد بود. بر پایه همین تدابیر و همین گونه تحلیلها بود که جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، تنها چند روز پیش از شروع نخستین جرقه‌های انقلاب در سال ۱۳۵۶، هنگام دیدار از ایران، از کشور میزبان خود به عنوان «جزیره ثبات» یاد کرد.

با این همه، مجموعه‌ای از رویدادها منجر به انقلاب فراگیر مردمی شد و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به حکومت پهلوی و مهم‌تر از آن، به نظام شاهنشاهی در ایران پایان داد. سقوط رژیم پهلوی و نظام شاهنشاهی و مهم‌تر از آن دو، استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، یکی از پدیده‌های مهم و شگفت‌انگیز نیمه دوم قرن بیستم میلادی است. مهم، بدان علت که با توجه به موقعیت راهبردی ایران و اهمیت آن برای بلوک غرب در ساختار نظام دوقطبی حاکم بر جهان آن روز، همه چاره‌ها برای بقای آن

رژیم اندیشیده شده بود؛ رفرم اجتماعی، توسعه اقتصادی، تقویت نهادهای امنیتی و حمایت بین‌المللی به طور همزمان به کار بسته شدند تا آسیب‌پذیری آن رژیم به کمترین حد ممکن برسد. و شگفت‌انگیز، بدان علت که در روزگار سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی تمدن غرب و غلبه گفتمان اومانیستی - سکولاریستی آن بر حوزه اندیشه و عمل اندیشمندان و مدیران کشورها و افکار عمومی، در یکی از نقاط حساس جهان که چندین دهه تحت سلطه غرب و اجرای برنامه‌های نوسازی غربی بود، انقلابی اسلامی به رهبری یک مرجع دینی رخ نمود و به تأسیس نظامی اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه انجامید.

بدین ترتیب، این انقلاب که به منزله سندی عینی برای نقض مدعای لیبرالیسم و مارکسیسم در باره مذهب تلقی می‌شد، و گفتمان تمدن غالب را در نظر و عمل به چالش می‌کشید، بیش از دیگر انقلابها، دغدغه ذهن صاحب‌نظران جهان گردید و موضوع کاوش‌های علمی آنان قرار گرفت. از آنجا که پیام این انقلاب نیز استمرار یافته و نظام سیاسی مولود آن توانست همه بحرانها را پشت سر گذاشته و به عنوان یک دولت قدرتمند، در راستای همان گفتمان انقلاب در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی حضور مؤثر و مقتدرانه‌ای داشته و نظام سلطه را به چالش بکشد، دامنه کاوش‌های علمی در باره آن گسترش یافته و افزون بر محافل علمی، قدرتهای سیاسی جهان نیز ناگزیر از انجام پژوهشهای متعدد و متنوع برای شناسایی این پدیده شدند.

انقلابها اصولاً پدیده‌هایی پیچیده، نادر، مهم و تأثیرگذار هستند و مورد توجه جدی محافل علمی قرار گرفته و تفسیرهای گوناگونی از آنها ارائه می‌شود. اما بنا به عللی که اشاره شد، این پدیده مورد توجه بیشتر و باعث ارائه دیدگاه‌های متعدد و متنوع‌تری گردید. حجم آثار علمی منتشر شده در این باره گویای آن است که این پدیده، به ویژه با توجه به استمرار پیام آن از طریق حضور تأثیرگذار نظام سیاسی مولود آن، همچنان به عنوان یک مسئله مهم جهان معاصر مطرح است و باب پژوهش در باره علل و عوامل و جوانب آن از منظرهای متنوع جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، میان‌رشته‌ای و ... نیز مفتوح است. از انبوه آثار علمی و نوشته‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، برخی بیشتر بر عوامل سیاسی و اقتصادی تکیه کرده سیاستهای نوسازی پهلوی دوم و پیامدهای اجتماعی آن را عامل اصلی و مهم این رخداد دانسته‌اند. البته از آنجا که مذهب، شکل منحصر انجام انقلاب در ایران بود، و این شکل نیز تنها به وسیله رهبری مذهبی می‌توانست مدیریت بشود، و در عمل نیز چنین شد تا انقلاب تحقق یافت؛ از این رو، نقش فرهنگ و رهبری مذهبی در تحقق انقلاب اسلامی در هیچ کدام از این قبیل نوشته‌ها نادیده گرفته نشده است، اما صرفاً در حد قالب و شکل اعتراضات انقلابی و به عنوان یک ابزار تلقی شده است. بخش دیگری از آثار، که با رویکرد فرهنگی به تحلیل انقلاب پرداخته‌اند، و برای نقش فرهنگ و به ویژه اسلام در تحقق انقلاب اصالت قائل شدند، به تبیین کلی و عمومی نقش مردم، اسلام و رهبری روحانیت، و امام خمینی به عنوان پیشتاز روحانیت بسنده کرده‌اند.

البته هر کدام از دو رویکرد یاد شده، وجوهی از حقیقت رخداد عظیم و پیچیده انقلاب اسلامی را می‌نمایانند. نظر به کاستی‌های موجود در حوزه نظریه‌های مربوط به چرایی و چگونگی شکل‌گیری انقلاب

و نظام اسلامی در ایران، این رساله در پی آن است تا با رویکردی متفاوت، و با طرح سؤال و فرضیه مشخص، بر پایه نظریه شهید مطهری، موضوع نقش کانونی اندیشه و قرائت و عمل ویژه و ابتکاری شخص امام خمینی را به عنوان بازتاب‌دهنده نیازها و مطالبات معوقه و بنیادین جامعه، و فعال ساز آموزه‌های دینی و نهاد مرجعیت، و بسیج‌گر مردم و روحانیت، و در نتیجه، به عنوان مولد انقلاب و نظام اسلامی واکاود. برای انجام این پژوهش، افزون بر بهره‌گیری از اندوخته‌ها و تجارب پژوهشی دو دهه گذشته خود، با صرف چهار سال وقت، صدها منبع مهم مرتبط با موضوع، اعم از کتاب، رساله، مقاله، و هزاران سند، مورد مطالعه و یادداشت‌برداری قرار گرفتند. محصول مطالعات و بررسی‌های انجام شده برای تبیین و سنجش فرضیه پژوهش، در این رساله به صورت زیر سازماندهی شدند.

سازمان پژوهش

مباحث رساله در قالب ۴ فصل و بخشها و قسمتهای زیر مجموعه آن سازمان یافتند:

در **فصل اول**، کلیات مربوط به موضوع پژوهش از قبیل: طرح مسئله، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش، قلمرو، سئوالها و فرضیه، پیشینه، روش شناسی، ویژگیها و نوآوریهای پژوهش به اختصار مطرح شدند.

در **فصل دوم**، با توجه به ماهیت موضوع رساله که به طور منطقی، بحث را متوجه نقش شخصیتها در روند رویدادها و تحولات اجتماعی می‌سازد. ابتدا در بحثی نظری، به اجمال، مفاهیم شخصیت، جامعه، و نظریه‌های مربوط به رابطه این دو را از منظر متفکران غرب و اسلام مطرح کرده و پس از نقد و بررسی آنها، نظریه استاد شهید مرتضی مطهری مبنی بر اصالت جامعه و فرد، و پیوند میان روح و نیاز جامعه با اقدام نوابغ برای ایجاد تحولات اجتماعی، در صورت همسویی اقدام نوابغ با روح و نیاز جامعه، به عنوان پایه نظری پژوهش قرار داده شد.

در **فصل سوم**، به منظور تبیین موضوع رساله بر پایه نظریه یادشده، یافته‌های پژوهش در ۳ بخش سازمان داده شدند:

بخش اول: مباحث این بخش نیز در ۴ قسمت سازمان داده شدند:

در **قسمت اول**، از آنجا که اندیشه امام خمینی مولود وضعیت عمومی جامعه ایران در روزگار ایشان بوده، و عمل ایشان نیز پاسخی به نیازها و مطالبات این جامعه بود، و به بیان دیگر، میان نیازها و مطالبات بنیادین جامعه و اندیشه و عمل ایشان پیوند وثیق وجود دارد، بنا بر این؛ مبانی و مراحل شکل‌گیری هویت تمدنی ایران اسلامی شیعی و تحول و تکامل ساختار آن، به عنوان مبنای زیست فردی و اجتماعی و پایه فرهنگ سیاسی جامعه، از آغاز تا اول دوره قاجاریه تبیین شدند.

در ادامه این مباحث، تبیین شد که: رویارویی نابرابر ایران با تمدن و استعمار غرب در دوره قاجاریه و بروز تهدیدهایی که از این ناحیه متوجه بنیان اقتدار و استقلال و هویت ملی کشور شده بود، ظهور جریانهای ملی‌گرا، غربگرا و اسلام سیاسی و به ویژه تحولی که با غلبه گفتمان اصولی در فقه سیاسی و فقه‌های شیعه و ساختار روحانیت به وجود آمد و پیامدهای نظری و عملی این تحول معرفتی در جامعه، و پاسخ‌هایی که مجموعه این جریانها در عرصه اندیشه و اجرا به تهدیدهای یادشده داده‌اند، و همچنین، نهضت مشروطیت

که به عنوان یک پاسخ مهم و کلان به تهدیدها و نیازهای یادشده ایجاد شد و بحرانها و پیامدهای آن نهضت که به پیدایش حکومت پهلوی منجر شد، و اقدامات حکومت پهلوی که باعث اختلال در تعامل علمای شیعه و سلاطین و تقابل حکومت با جامعه شده و به تعمیق تهدیدها انجامیدند؛ چگونه همه به هم پیوند خورده و بر تکوین و شکل‌گیری اندیشه و عمل ویژه امام خمینی تأثیر گذاشتند.

مباحث این قسمت در ۴۰۰ صفحه تنظیم و تدوین شدند، ولی اساتید محترم راهنما و مشاور، ضمن اذعان به اهمیت مباحث یادشده برای تبیین هدف پژوهش، به منظور کاهش حجم رساله و تسهیل امر ارزیابی آن برای هیئت داوران، صلاح دانستند تنها چکیده‌ای چند صفحه‌ای از آن مباحث در این رساله آورده شود، که چنین شد.

در **قسمت دوم**، زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت و اندیشه‌های امام خمینی در زادگاهش خمین، و محل تحصیلش قم، و رویدادها و شخصیت‌هایی که در این دو محیط در شکل‌گیری و جهت‌دهی به اندیشه و عمل ایشان تأثیر گذاشتند، تبیین شدند و روشن شد که عملکرد رژیم پهلوی، نقطه عزیمت اندیشه امام خمینی و رویکرد تمدنی وی به مقوله‌های ایران و استعمار و اسلام و سیاست شد.

در **قسمت سوم**، مبانی معرفتی فلسفی، عرفانی، فقهی و سیاسی امام خمینی و ویژگی‌های این مبانی که وی را با جامعه و سیاست و عمل سیاسی پیوند می‌دادند، تبیین شدند. همچنین، نگرشی که امام خمینی بر پایه مبانی معرفتی و سیاسی خود به ایران و تحولات و تهدیدها و نیازها و مطالبات آن در دوره قاجار و پهلوی پیدا کرد و عامل شکل‌گیری و جهت‌دهی به اندیشه و عمل وی در دهه‌های بعد و به ویژه در دوران مرجعیت ایشان گردید، ارائه شد.

در **قسمت چهارم**، مراحل اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی سیاسی و ابتکارات ایشان در بازتفسیر مفاهیم و آموزه‌های دینی، نگرش وی به دین و سیاست، طراحی نظام سیاسی و اقدامات عملی وی بر پایه همین بازتفسیر و نظریه‌پردازی سیاسی ایشان تبیین شده است.

بخش دوم: مباحث این بخش به تبیین مواضع ویژه و متفاوت و ابتکاری امام خمینی در مقام مرجعیت، مبنی بر دفاع از استقلال و هویت کشور به عنوان نیازها و مطالبات بنیادین جامعه، در مقابل اقدامات رژیم پهلوی می‌پردازد. این مباحث در ۴ قسمت سازمان یافتند.

در **قسمت اول**، وضعیت عمومی ایران در سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ و اقدامات حکومت محمد رضا شاه و پیامدهای اجرای مدرنیزاسیون مورد نظر ایالات متحده آمریکا در عرصه سیاست خارجی و سیاست داخلی، و در نتیجه، تعمیق تهدیدها و تشدید نیاز جامعه به پاسخ مناسب به آن تهدیدها، تبیین شد.

در **قسمت دوم**، آرایش سیاسی کشور در سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۵۶ ترسیم شد و به تبیین مواضع مهمترین جریانهای فکری و سیاسی آن مقطع پرداخته شد.

در **قسمت سوم**، در ابتدا شاخصه‌های رفتار سیاسی امام که مبتنی بر مبانی معرفتی و بازتفسیرهای دینی وی بودند و مبنای مواضع سیاسی ایشان در قبال اقدامات رژیم پهلوی نیز بودند، تبیین شدند. پس از آن به تبیین مراحل مواضع ویژه و متفاوت و ابتکاری امام خمینی در قبال تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی

و ولایتی، فراندوم انقلاب سفید و کاپیتولاسیون پرداخته شد که منجر به خلق رویدادهای مهمی چون پیروزی نهضت دو ماهه روحانیون، قیام پانزده خرداد و تبعید ایشان و همه پیامدهای ناشی از این رویدادها گردید. همچنین، تبیین شد که مواضع ابتکاری وی و خلق این رویدادها به گسیختن ارتباط رایج مرجعیت شیعه با سلاطین و ایجاد شکاف میان رژیم و جامعه گشته و عرصه را برای بروز اشکال متنوع مبارزه نظری و عملی با رژیم از سوی جریانها و شخصیت‌های مختلف فراهم ساخت، و با به حاشیه بردن دیگر جریانها، سیر حوادث را به سوی یک انقلاب بر پایه بینش و روش ایشان هدایت کرد. در پایان به این مطلب پرداخته شد که در شرایط خفقان و سکوت دیگر جریانها، ایشان پس از تبعید نیز این مبارزه را تا سال ۱۳۵۶، به عناوین مختلف، هم در عرصه طراحی نظام سیاسی جایگزین و هم در عرصه بسیج سیاسی، مدیریت کرده و تعمیق و گسترش دادند.

در **قسمت چهارم**، به تبیین مراحل و مصادیق تجلی بینش و روش ویژه و منحصر به فرد ایشان در خلق انقلاب و به حاشیه راندن جریانهای سازشکار و خنثی کردن اقدامات رژیم و آمریکا برای مهار انقلاب، و گسترش و تعمیق مبارزه تا پیروزی نهایی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پرداخته شد.

بخش سوم: در این بخش به تبیین نقش بینش و روش ویژه ایشان در مدیریت جامعه پسا انقلابی پرداخته شد و مباحث آن در ۲ قسمت سازمان یافتند:

در **قسمت اول**، به نقش بینش و روش ویژه وی در مدیریت ایجاد و تثبیت و استقرار ارکان نظام و سازماندهی و هدایت امور در جهت اهداف انقلاب اسلامی پرداخته شد.

در **قسمت دوم**، به تأثیر این بینش و روش ویژه در هدایت ساختار حقوقی نظام سیاسی و تدوین قوانین اساسی سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸، به عنوان مبنای اداره کشور پرداخته شد.

فصل چهارم: در این فصل به جمع‌بندی مباحث رساله و اثبات فرضیه آن و همچنین، به ویژگی‌ها و دستاورد نظری و کاربردی نظریه پژوهش نیز به اختصار پرداخته شد.

فصل اول: کلیات

تعریف مسئله

از میان رویکردهای مختلف در جامعه ایران، مبانی معرفتی و روش رهبری امام خمینی^{۱۶} بود که توانست مولد رخداد بزرگ و تأثیرگذاری چون انقلاب اسلامی و در پی آن، تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه بشود. البته همه تحولات اجتماعی و به ویژه تحولات کلان و بنیادینی چون انقلاب‌ها، مولود نیازهای بنیادین جوامع هستند. به بیان دیگر، انقلابها پاسخ جامعه به تهدیدها و نیازها و مطالبات بنیادین معوقه ای هستند که در فرایند تحولات معمولی و با روش متعارف پاسخ خود را نیافته باشند. انقلاب اسلامی نیز پاسخ جامعه ایران به تهدیدها و نیازها و مطالبات بنیادین معوقه ای بود که در تحولات و نهضت‌های ۱۵۰ سال اخیر ایران پاسخ خود را نیافته بودند. این پاسخ و رخداد، به طور طبیعی، در متن یک تمدن و در چارچوب یک مکتب رخ داد و برخاسته از یک نگاه و رویکرد خاص به نیازها و مطالبات ایران و اسلام و حوزه تمدن اسلامی و محصول یک الگوی فکری و عملی ویژه بود که در شخصیت امام خمینی تجلی یافت. به بیان دیگر، اندیشه و عمل امام خمینی در آن مقطع تاریخ، دغدغه‌های جامعه را نمایندگی می‌کرد و از این رو ملت ایران از آن به عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی خود استقبال کرد و بر پایه آن اقدام کرد و در نتیجه، انقلاب و نظام اسلامی تحقق یافتند. بنا بر این، در فرایند مطالعه و بررسی انقلاب و نظام اسلامی، بررسی و شناخت جایگاه اندیشه و عمل امام خمینی و چرایی و چگونگی بروز و نمود و اجرای آن به عنوان پاسخ عملی به نیازهای جامعه و علت موجد آن رخداد، همچنان به صورت یک مسئله‌مبنایی که دغدغه اذهان اهل نظر است مطرح خواهد بود. زیرا تبیین درخور و شناخت عالمانه بسیاری دیگر از مسائل محوری انقلاب و نظام، در گرو تبیین درست این مسئله خواهند بود.

انقلابها اصولاً پدیده‌هایی پیچیده و نادر و مهم و تأثیرگذار هستند و به همین علت، به یک مسئله مهم روزگار خود تبدیل شده و مورد توجه جدی محافل علمی قرار گرفته و تفسیرهای گوناگونی از آنها ارائه می‌شود. در این میان، انقلاب اسلامی که در روزگار سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی تمدن غرب و غلبه گفتمان اومانیستی- سکولاریستی آن بر حوزه اندیشه و عمل کشورها، در یکی از نقاط حساس جهان رخ نمود و به تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه انجامید و گفتمان تمدن غالب را به چالش کشید، بیش از دیگر انقلابها، ذهن صاحب نظران جهان را متوجه خود ساخت و دغدغه آنها گردید. به گونه‌ای که تعداد کتب و مقالاتی که در ۱۰ سال اول این انقلاب در سطح جهان درباره آن منتشر شد با تعداد کتب و مقالاتی که در طول ۶۰ سال درباره انقلاب شوروی نوشته شد برابری می‌کنند. بدین ترتیب، این انقلاب و علل و عوامل تحقق آن، همچنان به عنوان یک مسئله مهم روزگار ما مطرح است و باب پژوهش در باره آن از زوایا و منظرهای متنوع جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، میان رشته‌ای و... نیز مفتوح است.

اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت: از آن جا که از میان رویکردهای مختلف در جامعه ایران، مبانی و روش رهبری امام خمینی توانست مولد رخداد بزرگ و تأثیرگذاری چون انقلاب اسلامی و در پی آن، تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه بشود، که نه تنها برای امروز و فردای ایران دارای اهمیت فراوان است، بلکه برای بیش از $\frac{1}{4}$ جمعیت جهان، یعنی حوزه تمدن اسلامی، به عنوان یک الگو مطرح است و حتی می‌تواند الهام بخش تحرکات سیاسی ملل غیرمسلمان در برابر نظام سلطه نیز باشد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت انقلاب و نظام، پرداختن به الگوی اندیشه و عمل امام خمینی و تبیین عالمانه آن از اهمیت اساسی برخوردار است.

ضرورت: همان گونه که گفته شد، تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، با همه اهمیت و تأثیرگذاری‌شان، مولود یک الگوی فکری و عملی ویژه بود که در شخصیت امام خمینی تجلی یافت. از آنجا که امروزه به طور گسترده‌ای این شبهه القا می‌شود که گویا در سالهای آغازین دهه ۱۳۴۰ ه.ش همه جریانها و تشکل‌های سیاسی برای انجام انقلاب و براندازی رژیم پهلوی فعال و توانمند بوده و در هر صورت و با هر اندیشه و مدیریت و ماهیتی، انقلاب انجام می‌گرفت، و فقط چون بنا به علی‌اتفاقی آیت‌الله خمینی در رأس مبارزه قرار گرفت، حوادث رنگ و لعاب اسلامی پیدا کردند! و بدین گونه در ماهیت انقلاب و نظام و مبانی نظری و عملی

آن‌ها و پیوند بنیادین‌شان با نیازها و ضرورت‌های جامعه ایران تردید افکنده می‌شود. آشکار است که اگر در ارکان نظری و عملی این پدیده، یعنی در نقش شخصیت و اندیشه و عمل امام خمینی در خلق این رخداد، تشکیک و تردید شود، علاوه بر تحریف واقعیت و قلب ماهیت انقلاب و نظام، اثر تربیتی و جنبه هدایتگرانه و الگوبرداری این پدیده برای نسل‌های امروز و آینده ایران و جوامع مختلف نیز آسیب خواهد دید. بنابر این، پژوهش درباره نقش اندیشه و عمل امام خمینی که عامل تحقق این رخداد عظیم و عبور موفقیت آمیز آن از همه بحرانها و موانع داخلی و جهانی شده و آن را به تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه نایل گرداند، حائز اهمیت و ضرورت فراوان است.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، تبیین علمی نقش ویژه مبانی و روش رهبری امام خمینی است در:

الف) شناخت نیازهای بنیادین و مطالبات معوقه ایران (رفع تهدید از استقلال و هویت کشور) در سال‌های ۱۳۴۱

تا ۱۳۶۸ ه.ش

ب) اقدامات عملی و توانایی او برای پاسخ به آن نیازها و تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری

اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه.

قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: سال‌های ۱۳۴۱ - ۱۳۶۸ هجری شمسی

ج) قلمرو موضوعی: امام خمینی، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی

سئوالهای پژوهش

سؤال اصلی:

مبانی و روش رهبری امام خمینی در تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر

ولایت مطلقه فقیه چه نقشی داشتند؟

سؤالهای فرعی:

۱. آیا یک شخصیت در برابر جامعه حالت انفعالی دارد یا می‌تواند در تحقق و شکل‌گیری تحولات جامعه و سیاست نقش ایفا کند؟
۲. مؤلفه‌های مبانی و روش رهبری امام خمینی کدامند؟
۳. مبانی و روش رهبری امام خمینی چه نقشی در تحقق انقلاب اسلامی داشتند؟
۴. مبانی و روش رهبری امام خمینی چه نقشی در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه داشتند؟

فرضیه پژوهش

فرضیه: مبانی معرفتی امام خمینی عامل شناخت ویژه ایشان از نیازهای بنیادین و مطالبات معوقه جامعه ایران (رفع تهدید از استقلال و هویت کشور) شد و روش رهبری وی برای پاسخگویی به نیازها و مطالبات مربوط به استقلال و هویت ملی، در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ ه.ش، مولد و هدایت‌گر مجموعه حوادث و تحولاتی چون مبارزه با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مبارزه با انقلاب سفید محمد رضا شاه، قیام پانزدهم خرداد، مبارزه با کاپیتولاسیون، تبعید ایشان و رویدادهای سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شد که به تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه انجامیدند.

پیشینه پژوهش

- آثار مربوط به انقلاب اسلامی را به اعتبار رویکرد آنها می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد.
۱. نوشته‌هایی که با رویکرد اجتماعی و اقتصادی به تحلیل انقلاب پرداخته‌اند، اصولاً نقشی محوری برای عناصر فرهنگی در این پدیده قائل نیستند و بر آن تأکید ندارند.
 ۲. آثاری که با رویکرد فرهنگی به تحلیل انقلاب پرداخته‌اند، به طور عمده به تبیین کلی و عمومی نقش اسلام، مردم و رهبری روحانیت و امام بسنده کرده‌اند.
- چون معرفی همه آثار در این طرح‌نامه میسر نیست و ضرورت هم ندارد، به اجمال به برخی از نمونه‌های مهم آثار دسته دوم که قرابت و نسبتی با موضوع رساله دارند، اشاره می‌شود: